

گونه‌گونیهای فراوان زبانی در ایران، حتی در نقاط مجاور یکدیگر

دکتر ایران کلیاسی*

با ساخت فعل در شهرستانهای حاجی‌آباد و بندرعباس در استان هرمزگان مقایسه و تفاوت‌های آنها را بیان کند.

کلیدواژه: گویشهای ایرانی، تنوع گویشی، گویشهای کرمان و هرمزگان.

چکیده: در سرزمین ایران تنوع گویشها و لهجه‌ها بسیار فراوان است، به طوری که گاه ممکن است دو روستای کاملاً مجاور هم دو گونه زبانی کاملاً متفاوت داشته باشند. این تنوع زبانی، گویشی یا لهجه‌ای در سراسر ایران قابل مشاهده است. نگارنده در این مقاله در نظر دارد ساخت فعل را در شهرستانهای سیرجان، بافت، زرنند و جیرفت در استان کرمان

نمونه‌هایی از ساختهای فعلی

۱- مصدر افعال ساده:

1-1	Ĵekid _ an	پریدن (سیرجانی)
1-2	kotid _ an	کوبیدن (بافتی)
1-3	Ĵavid _ an	جویدن (زرنندی)
1-4	ešmârd _ en	شمردن (جیرفتی)
1-5	xond _ en	خواندن (بندرعباسی)
1-6	perid _ an	پریدن (حاجی‌آبادی)

۲- مصدر افعال سببی:

2-1	per _ un _ d _ an	پرانیدن (سیرجانی)
2-2	tek _ un _ d _ an	تکانیدن (بافتی)
2-3	xem _ un _ d _ an	خمانیدن (زرنندی)

2-4	puš_on_d_en	پوشانیدن (جیرفتی)
2-5	čak_on_d_en	چکانیدن (بندرعباسی)
2-6	per_on_d_an	پرانیدن (حاجی آبادی)

۳- حال ساده (= استمراری):

3-1	mi_puš_av	می پوشم (سیرجانی)
	mi_puš_i	می پوشی
	mi_puš_e	می پوشد
	mi_puš_im	می پوشیم
	mi_puš_in	می پوشید
	mi_puš_an	می پوشند
	ne_vi_puš_av	نمی پوشم

3-2	mi_xor_am	می خورم (بافتی)
	mi_xor_i	می خوری
	mi_xor_e	می خورد
	mi_xor_im	می خوریم
	mi_xor_in	می خورید
	mi_xor_an	می خورند
	ne_mi_xor_am	نمی خورم

3-3	mi_riz_am	می ریزم (زرنندی)
	mi_riz_i	می ریزی
	mi_riz_e	می ریزد
	mi_riz_im	می ریزیم
	mi_riz_in	می ریزید
	mi_riz_an	می ریزند
	ne_mi_riz_am	نمی ریزم

3-4	a_xowar_om	می خورم (جیرفتی)
	a_xowar_i	می خوری
	a_xowar_e	می خورد
	a_xowar_in	می خوریم
	a_xowar_i	می خورید
	a_xowar_en	می خورند
	n_â_xowar_om	نمی خورم

3-5

a _ ger _ om	می‌گیرم (بندرهاسی)
a _ ger _ i	می‌گیری
a _ ger _ e(t)	می‌گیرد
a _ ger _ in/iŋ	می‌گیریم
a _ ger _ i	می‌گیرید
a _ ger _ en	می‌گیرند
n _ â _ ger _ om	نمی‌گیرم

3-6

a _ puš _ om	می‌پوشم (حاجی آبادی)
a _ puš _ i	می‌پوشی
a _ puš _ e	می‌پوشد
a _ puš _ im	می‌پوشیم
a _ puš _ id/in	می‌پوشید
a _ puš _ en	می‌پوشند
n _ i _ puš _ om	نمی‌پوشم

۴- حال التزامی :

4-1

be _ puš _ av	بپوشم (سیرجانلی)
be _ puš _ i	بپوشی
be _ puš _ e	بپوشد
be _ puš _ im	بپوشیم
be _ puš _ in	بپوشید
be _ puš _ an	بپوشند
na _ puš _ an	نپوشم

4-2

bo _ xor _ am	بخورم (بافتی)
bo _ xor _ i	بخوری
bo _ xor _ e	بخورد
bo _ xor _ im	بخوریم
bo _ xor _ in	بخورید
bo _ xor _ an	بخورند
ne _ xor _ am	نخورم

4-3

be kâr _ am	بکارم (زرفندی)
be kâr _ i	بکاری
be kâr _ e	بکارد
be kâr _ im	بکاریم
be kâr _ in	بکارید
be kâr _ an	بکارند
ne kâr _ am	نکارم

4-4

bo_xowar_om	بخورم (جیرفتی)
bo_xowar_i	بخوری
bo_xowar_e	بخورد
bo_xowar_in	بخوریم
bo_xowar_i	بخورید
bo_xowar_en	بخورند
na_xowar_om	نخورم

4-5

be_ger_om	بگیرم (بندر عباسی)
be_ger_i	بگیری
be_ger_e(t)	بگیرد
be_ger_in/iŋ	بگیریم
be_ger_i	بگیرید
be_ger_en	بگیرند
ne_ger_om	نگیرم

4-6

e_puš_om	بپوشم (حاجی آبادی)
e_puš_i	بپوشی
e_puš_e	بپوشد
e_puš_im	بپوشیم
e_puš_id/in	بپوشید
e_puš_en	بپوشند
na_puš_om	نپوشم

۵- امر:

5-1

be_puš_ø	بپوش (سیرجانی)
be_puš_in	بپوشید
na_puš_ø	نپوش

5-2

bo_xor_ø	بخور (پاقتی)
bo_xor_in	بخورید
ne_xor_ø	نخور

5-3

be_kâr_ø	بکار (زرنندی)
be_kâr_in	بکارید
ne_kâr_ø	نکار

5-4	bo_xowar_ø	بخور (جیرفتی)
	bo_xowar_i	بخورید
	na_xowar_ø	نخور

5-5	be_ger_ø	بگیر (بندرعباس)
	be_ger_i	بگیرید
	ne_ger_ø	نگیر

5-6	e__puš_ø	پوش (حاجی آبادی)
	e__puš_id/in	پوشید
	na__puš_ø	نپوش

۶- حال در حال انجام:

6-1	dâr-av-mi-puš-av	دارم می‌پوشم (سیرجانی)
	dâr-i-mi-puš-i	داری می‌پوشی
	dâr-e-mi-puš-e	دارد می‌پوشد
	dâr-im-mi-puš-im	داریم می‌پوشیم
	dâr-in-mi-puš-in	دارید می‌پوشید
	dâr-an-mi-puš-an	دارند می‌پوشند

6-2	dâr-am-mi-xor-am	دارم می‌خورم (بافتی)
	dâr-i-mi-xor-i	داری می‌خوری
	dâr-e-mi-xor-e	دارد می‌خورد
	dâr-im-mi-xor-im	داریم می‌خوریم
	dâr-in-mi-xor-in	دارید می‌خورید
	dâr-an-mi-xor-an	دارند می‌خورند

6-3	dâr-am-mi-kâr-am	دارم می‌کارم (زوندی)
	dâr-i-mi-kâr-i	داری می‌کاری
	dâr-e-mi-kâr-e	دارد می‌کارد
	dâr-im-mi-kâr-im	داریم می‌کاریم
	dâr-in-mi-kâr-in	دارید می‌کارید
	dâr-an-mi-kâr-an	دارند می‌کارند

6-4	dâr-om-a-xowar-om	دارم می‌خورم (جیرفتی)
	dâr-i-a-xowar-i	داری می‌خوری
	dâr-e-a-xowar-e	دارد می‌خورد
	dâr-in-a-xowar-in	داریم می‌خوریم
	dâr-i-a-xowar-i	دارید می‌خورید
	dâr-en-a-xowar-en	دارند می‌خورند

6-5	ne-šušta – m	دارم می شویم (پندرهایی)
	ne-šušte-y	داری می شویی
	ne-šušte-n	دارد می شوید
	ne-šušte-n/ŋ	داریم می شوئیم
	ne-šušte-y	دارید می شوئید
	ne-šušta-n	دارند می شوئند

6-6	dāre-a-puš-om	دارم می پوشم (حاجی آبادی)
	dāre-a-puš-i	داری می پوشی
	dāre-a-puš-e	دارد می پوشد
	dāre-a-puš-im	داریم می پوشیم
	dāre-a-puš-id/in	دارید می پوشید
	dāre-a-puš-en	دارند می پوشند

۷- گذشته ساده فعل لازم:

7-1	nešess- av	نشستم (سیرجانی)
	nešess-i	نشستی
	nešess- ø	نشست
	nešess-im	نشستیم
	nešess-in	نشستید
	nešess-an	نشستند
	na- nešess- av	نشستم

7-2	nešt- am	نشستم (بافتی)
	nešt-i	نشستی
	nešt- ø	نشست
	nešt- im	نشستیم
	nešt- in	نشستید
	nešt- an	نشستند
	ne- nešt- am	نشستم

7-3	oftid- am	افتادم (زرنندی)
	oftid-i	افتادی
	oftid- ø	افتاد
	oftid-im	افتادیم
	oftid-in	افتادید
	oftid-an	افتادند
	ne-yoftid-am	نیفتادم

7-4

nešt-om	نشستم (جیرفتی)
nešt-i	نشستی
nešt-ø	نشست
nešt-in	نشستیم
nešt-i	نشستید
nešt-en	نشستند
na- nešt-om	نشستم

7-5

raft- om	رفتم (بنادر عباسی)
raft-i	رفتگی
ra- ø	رفت
raft-in/inj	رفتیم
raft-i	رفتید
raft-en	رفتند
ne-raft-om	نرفتم

7-6

nešt- om	نشتم (حاجی آبادی)
nešt-i	نشستی
nešt- ø	نشست
nešt-im	نشستیم
nešt-id/in	نشستید
nešt-en	نشستند
na- nešt- om	نشستم

۸ - گذشته ساده فعل متعدی:

8-1

pušid-av	پوشیدم (سیرجانی)
pušid- i	پوشیدی
pušid- ø	پوشید
pušid-im	پوشیدیم
pušid- in	پوشیدید
pušid- an	پوشیدند
na - pušid- av	نپوشیدم

8-2

xord-am	خوردم (باقفی)
xord- i	خوردی
xord- ø	خورد
xord-im:	خوردیم
xord-in	خوردید
xord-an	خوردند
ne- xord- am	نخوردم

8-3

kāšt-am	کاشتم (زرنده‌ی)
kāšt-i	کاشتی
kāšt- ø	کاشت
kāšt-im	کاشتیم
kāšt-in	کاشتید
kāšt-an	کاشتند
ne- kāšt-am	نکاشتم

8-4

xoward-om	خوردم (چیرفتی)
xoward-et	خوردی
xoward-i	خورد
xoward-mon	خوردیم
xoward-ton	خوردید
xoward-šon	خوردند
na-xoward-om	نخوردم

8-5

om-go	گفتم (بندره‌باسی)
et-go	گفتی
i-go	گفت
mo-go	گفتیم
to-go	گفتید
šo-go	گفتند
om-ne-go	نگفتم

8-6

om- puši	پوشیدم (حاجی آبادی)
et- puši	پوشیدی
eš- puši	پوشید
mo- puši	پوشیدیم
to- puši	پوشیدید
šo- puši	پوشیدند
om-na- puši	نپوشیدم

۹- گذشته استمراری فعل لازم:

9-1

mi-nešess-av	می‌نشستم (سیرجانی)
mi-nešess-i	می‌نشستی
mi-nešess- ø	می‌نشست
mi-nešess-im	می‌نشستیم
mi-nešess-in	می‌نشستید
mi-nešess-an	می‌نشستند
ne-vi-nešess-av	نمی‌نشستم

9-2

mi-šest-am	می‌نشستم (بافتی)
mi-šest-i	می‌نشستی
mi-šest-ø	می‌نشست
mi-šest-im	می‌نشستیم
mi-šest-in	می‌نشستید
mi-šest-an	می‌نشستند
ne- mi-šest-am	نمی‌نشستم

9-3

mi-yoftid-am	می‌افتادم (زوندی)
mi-yoftid-i	می‌افتادی
mi-yoftid-ø	می‌افتاد
mi-yoftid-im	می‌افتادیم
mi-yoftid-in	می‌افتادید
mi-yoftid-an	می‌افتادند
ne- mi-yoftid-am	نمی‌افتادم

9-4

a- nešt-om	می‌نشستم (جیورفتی)
a- nešt-i	می‌نشستی
a- nešt-ø	می‌نشست
a- nešt-in	می‌نشستیم
a- nešt-i	می‌نشستید
a- nešt-en	می‌نشستند
n-â- nešt-om	نمی‌نشستم

9-5

m-a-ra(fta)	می‌رفتم (بندرعیاسی)
t-a-ra(fta)	می‌رفتی
š-a-ra(fta)	می‌رفت
m- â-ra(fta)	می‌رفتیم
t- â-ra(fta)	می‌رفتید
š- â-ra(fta)	می‌رفتند
om-n- â-ra(fta)	نمی‌رفتم

9-6

m-e- nešt	می‌نشستم (حاجی آبادی)
t-e- nešt	می‌نشستی
š- e- nešt	می‌نشست
m- â - nešt	می‌نشستیم
t- â - nešt	می‌نشستید
š - â - nešt	می‌نشستند
om-n-i-nešt	نمی‌نشستم

۱۰- گذشته استمراری فعل متعدی:

10-1

mi-pušid-av	می پوشیدم (سیرجانی)
mi-pušid-i	می پوشیدی
mi-pušid-ø	می پوشید
mi-pušid-im	می پوشیدیم
mi-pušid-in	می پوشیدید
mi-pušid-an	می پوشیدند
ne-vi- pušid-av	نمی پوشیدم

10-2

mi-xord-am	می خوردم (بافتی)
mi-xord-i	می خوردی
mi-xord-ø	می خورد
mi-xord-im	می خوردیم
mi-xord-in	می خوردید
mi-xord-an	می خوردند
ne- mi-xordam	نمی خوردم

10-3

mi- kâšt-am	می کاشتم (زرنندی)
mi- kâšt-i	می کاشتی
mi- kâšt-ø	می کاشت
mi- kâšt-im	می کاشتیم
mi- kâšt-in	می کاشتید
mi- kâšt-an	می کاشتند
ne- mi- kâšt- am	نمی کاشتم

10-4

a-xoward-om	می خوردم (جیرفتی)
a-xoward-et	می خوردی
a-xoward-i	می خورد
a-xoward-mon	می خوردیم
a-xoward-ton	می خوردید
a-xoward- šon	می خوردند
n-â-xoward-om	نمی خوردم

10-5

m-a-go(fta)	می گفتم (بندرعباسی)
t- a-go(fta)	می گفتی
š -a-go(fta)	می گفت
m- â-go(fta)	می گفتیم
t- â-go(fta)	می گفتید
š -â-go(fta)	می گفتند
om-n -â-go(fta)	نمی گفتم

10-6	m-e-puši	می پوشیدم (حاجی آبادی)
	t-e-puši	می پوشیدی
	š-e-puši	می پوشید
	m- â-puši	می پوشیدیم
	t- â-puši	می پوشیدید
	š-â-puši	می پوشیدند
	om-n-i- puši	نمی پوشیدم

۱۱- گذشته در حال انجام لازم و متعدی:

11-1	došt-av-mi-pušid-av	داشتم می پوشیدم (سیرجانی)
	došt-i-mi-pušid-i	داشتم می پوشیدی
	došt- ø -mi-pušid- ø	داشتم می پوشید
	došt-im-mi-pušid-im	داشتم می پوشیدیم
	došt-in-mi-pušid-in	داشتم می پوشیدید
	došt-an-mi-pušid-an	داشتم می پوشیدند

11-2	dâšt-am-mi-šest-am	داشتم می نشستم (بافتی)
	dâšt-i-mi-šest-i	داشتم می نشستی
	dâšt-ø-mi-šest-ø	داشتم می نشست
	dâšt-im-mi-šest-im	داشتم می نشستیم
	dâšt-in-mi-šest-in	داشتم می نشستید
	dâšt-an-mi-šest-an	داشتم می نشستند

11-3	došt-am-mi-kâšt-am	داشتم می کاشتم (زرنندی)
	došt-i-mi-kâšt-i	داشتم می کاشتی
	došt- ø -mi-kâšt- ø	داشتم می کاشت
	došt-im-mi-kâšt-im	داشتم می کاشتیم
	došt-in-mi-kâšt-in	داشتم می کاشتید
	došt-an-mi-kâšt-an	داشتم می کاشتند

11-4	dâšt-om-a-nešt-om	داشتم می نشستم (چیرفتی)
	dâšt-i-a-nešt-i	داشتم می نشستی
	dâšt-ø-a-nešt-ø	داشتم می نشست
	dâšt-in-a-nešt-in	داشتم می نشستیم
	dâšt-i-a-nešt-i	داشتم می نشستید
	dâšt-en-a-nešt-en	داشتم می نشستند

dâšt-om-a-xoward-om	داشتیم می‌خوردیم (جیرفتی)
dâšt-i-a-xoward-et	داشتی می‌خوردی
dâšt-∅-a-xoward-i	داشت می‌خورد
dâšt-in-a-xoward-mon	داشتیم می‌خوردیم
dâšt-i-a-xoward-ton	داشتید می‌خوردید
dâšt-en-a-xoward-šon	داشتند می‌خوردند

11-5

m-a-ra(fta)	داشتیم می‌رفتم ◀ می‌رفتم (بندرعباسی)
m-a-go(fta)	داشتیم می‌گفتم ← می‌گفتم

11-6

dekâ-m-e-nešt	داشتیم می‌نشستم (حاجی آبادی)
dekâ-t-e-nešt	داشتی می‌نشستی
dekâ-š-e-nešt	داشت می‌نشست
dekâ-m-â-nešt	داشتیم می‌نشستیم
dekâ-t-â-nešt	داشتید می‌نشستید
dekâ-š-â-nešt	داشتند می‌نشستند

dekâ-m-e-puši	داشتیم می‌پوشیدم (حاجی آبادی)
dekâ-t-e-puši	داشتی می‌پوشیدی
dekâ-š-e-puši	داشت می‌پوشید
dekâ-m-â-puši	داشتیم می‌پوشیدیم
dekâ-t-â-puši	داشتید می‌پوشیدید
dekâ-š-â-puši	داشتند می‌پوشیدند

۱۲- گذشته نقلی لازم:

12-1

nešes's-av	نشسته‌ام (سیرجان‌بی)
nešes's-i	نشسته‌ای
nešes'se-∅	نشسته است
nešes's-im	نشسته‌ایم
nešes's-in	نشسته‌اید
nešes's-an	نشسته‌اند
na- nešess-av	نشسته‌ام

12-2

neš't- am	نشسته‌ام (بافتی)
neš't-i	نشسته‌ای
neš'te-∅	نشسته است
neš't-im	نشسته‌ایم
neš't-in	نشسته‌اید
neš't-an	نشسته‌اند
ne-nešt-am	نشسته‌ام

12-3

ofti'd-am	افتاده‌ام (زرندي)
ofti'd-i	افتاده‌ای
ofti'de-ø	افتاده است
ofti'd-im	افتاده‌ایم
ofti'd-in	افتاده‌اید
ofti'd-an	افتاده‌اند
ne-yoftid-am	نیفتاده‌ام

12-4

nešto-hom	نشسته‌ام (چیرفتي)
nešte-hi	نشسته‌ای
nešte-ø	نشسته است
nešte-hin	نشسته‌ایم
nešte-hi	نشسته‌اید
nešte-hen	نشسته‌اند
na- nešto-hom	نشسته‌ام

12-5

xâfta-m	خوابیده‌ام (پندره‌باسي)
xâfte-y	خوابیده‌ای
xâfte-n	خوابیده است
xâfte-n/ŋ	خوابیده‌ایم
xâfte-y	خوابیده‌اید
xâfta-n	خوابیده‌اند
ne- xâfta-m	نخوابیده‌ام

12-6

neštest-om	نشسته‌ام (حاجي آبادي)
neštest-i	نشسته‌ای
neštest-ø	نشسته است
neštest-im	نشسته‌ایم
neštest-in/id	نشسته‌اید
neštest-en	نشسته‌اند
na- neštest-om	نشسته‌ام

۱۳- گذشته نقلی متعدی:

13-1

puši'd- av	پوشیده‌ام (سیرجاني)
puši'd-i	پوشیده‌ای
puši'de-ø	پوشیده است
puši'd-im	پوشیده‌ایم
puši'd-in	پوشیده‌اید
puši'd-an	پوشیده‌اند
na-pušid-av	نپوشیده‌ام

13-2

xor'd-am	خورده‌ام (بافتي)
xor'd-i	خورده‌ای
xor'de-ø	خورده است

xor'd-im	خورده‌ایم
xor'd-in	خورده‌اید
xor'd-an	خورده‌اند
ne-xord-am	نخورده‌ام

13-3

xor'd-am	خورده‌ام (زرنده‌ی)
xor'd-i	خورده‌ای
xor'de-ø	خورده است
xor'd-im	خورده‌ایم
xor'd-in	خورده‌اید
xor'd-an	خورده‌اند
ne-xord-am	نخورده‌ام

13-4

xowar(d)-me-ne	خورده‌ام (چیرفتی)
xowar(d)-te-ne	خورده‌ای
xowar(d)-še-ne	خورده است
xowar(d)-mon-e	خورده‌ایم
xowar(d)-ton-e	خورده‌اید
xowar(d)-šon-e	خورده‌اند
na-xowar(d)-me-ne	نخورده‌ام

13-5

om-goft-en	گفته‌ام (بندرعباسی)
et-goft-en	گفته‌ای
i-goft-en	گفته است
mo-goft-en	گفته‌ایم
to-goft-en	گفته‌اید
šo-goft-en	گفته‌اند
om- ne- goft- en	نگفته‌ام

13-6

om-pušid-en	پوشیده‌ام (حاجی آبادی)
et-pušid-en	پوشیده‌ای
eš-pušid-en	پوشیده است
mo-pušid-en	پوشیده‌ایم
to-pušid-en	پوشیده‌اید
šo-pušid-en	پوشیده‌اند
om- na- pušid-en	نپوشیده‌ام

۱۴- گذشته دور لازم:

14-1	nešesse-bud-av	نشسته بودم (سیرجانی)
	nešesse-bud-i	نشسته بودی
	nešesse-bud-∅	نشسته بود
	nešesse-bud-im	نشسته بودیم
	nešesse-bud-in	نشسته بودید
	nešesse-bud-an	نشسته بودند
	na- nešesse-bud-av	نشسته بودم

14-2	nešte-vid-am	نشسته بودم (باقفی)
	nešte-vid-i	نشسته بودی
	nešte-vid-∅	نشسته بود
	nešte-vid-im	نشسته بودیم
	nešte-vid-in	نشسته بودید
	nešte-vid-an	نشسته بودند
	ne- nešte-vid-am	نشسته بودم

14-3	oftide-bid-am	افتاده بودم (زرنندی)
	oftide-bid-i	افتاده بودی
	oftide-bid-∅	افتاده بود
	oftide-bid-im	افتاده بودیم
	oftide-bid-in	افتاده بودید
	oftide-bid-an	افتاده بودند
	ne-yoftide-bid-am	نیفتاده بودم

14-4	nešt-ar-om	نشسته بودم (جیرفتی)
	nešt-ar-i	نشسته بودی
	nešt-ar-∅	نشسته بود
	nešt-ar-in	نشسته بودیم
	nešt-ar-i	نشسته بودید
	nešt-ar-en	نشسته بودند
	na- nešt-ar-om	نشسته بودم

14-5	kaft-ar-om	افتاده بودم (بندرعباسی)
	kaft-er-i	افتاده بودی
	kaft-a-∅	افتاده بود
	kaft-er-in/inj	افتاده بودیم
	kaft-er-i	افتاده بودید
	kaft-ar-en	افتاده بودند
	ne-kaft-ar-om	نیفتاده بودم

14-6	nešte-bud-om	نشسته بودم (حاجی آبادی)
	nešte-bud-i	نشسته بودی
	nešte-bu(d)-∅	نشسته بود
	nešte-bud-im	نشسته بودیم

nešte-bud-in/id	نشسته بودید
nešte-bud-en	نشسته بودند
na- nešte-bud- om	نشسته بودم

۱۵- گذشته دور متعدی:

15-1	pušide-bud-av	پوشیده بودم (سیرجانی)
	pušide-bud-i	پوشیده بودی
	pušide-bud- ø	پوشیده بود
	pušide-bud-im	پوشیده بودیم
	pušide-bud-in	پوشیده بودید
	pušide-bud-an	پوشیده بودند
	na-pušide-bud-av	نپوشیده بودم

15-2	xorde-vid-am	خورده بودم (بافتی)
	xorde-vid-i	خورده بودی
	xorde-vid- ø	خورده بود
	xorde-vid-im	خورده بودیم
	xorde-vid-in	خورده بودید
	xorde-vid-an	خورده بودند
	ne-xorde-vid-am	نخورده بودم

15-3	kâšte-bid-am	کاشته بودم (زرنندی)
	kâšte-bid-i	کاشته بودی
	kâšte-bid- ø	کاشته بود
	kâšte-bid-im	کاشته بودیم
	kâšte-bid-in	کاشته بودید
	kâšte-bid-an	کاشته بودند
	ne- kâšte-bid-am	نکاشته بودم

15-4	xowar(d)-me-nar	خورده بودم (جیرفتی)
	xowar(d)- te-nar	خورده بودی
	xowar(d)- še-nar	خورده بود
	xowar(d)-mon-ar	خورده بودیم
	xowar(d)- ton-ar	خورده بودید
	xowar(d)- šon-ar	خورده بودند
	na-xowar(d)-me-nar	نخورده بودم

15-5	om-goft-a	گفته بودم (بند و همبازی)
	et-goft-a	گفته بودی
	i-goft-a	گفته بود
	mo-goft-a	گفته بودیم
	to-goft-a	گفته بودید
	šo-goft-a	گفته بودند
	om-ne-goft-a	نگفته بودم

15-6	om-puši-bu	پوشیده بودم (حاجی آبادی)
	et-puši-bu	پوشیده بودی
	eš-puši-bu	پوشیده بود
	mo-puši-bu	پوشیده بودیم
	to-puši-bu	پوشیده بودید
	šo-puši-bu	پوشیده بودند
	om-na-puši-bu	نپوشیده بودم

۱۶- گذشته التزامی لازم و متعدی:

16-1	pušide-bâš-av	پوشیده باشم (سیرجان)
	pušide-bâš-i	پوشیده باشی
	pušide-bâš-e	پوشیده باشد
	pušide-bâš-im	پوشیده باشیم
	pušide-bâš-in	پوشیده باشید
	pušide-bâš-an	پوشیده باشند
	na-pušide-bâš-av	نپوشیده باشم

16-2	xorde-bâš-am	خورده باشم (بافتی)
	xorde-bâš-i	خورده باشی
	xorde-bâš-e	خورده باشد
	xorde-bâš-im	خورده باشیم
	xorde-bâš-in	خورده باشید
	xorde-bâš-an	خورده باشند
	ne-xorde-bâš-am	نخورده باشم

16-3	kâšte-bâš-am	کاشته باشم (زرنندی)
	kâšte-bâš-i	کاشته باشی
	kâšte-bâš-e	کاشته باشد
	kâšte-bâš-im	کاشته باشیم
	kâšte-bâš-in	کاشته باشید
	kâšte-bâš-an	کاشته باشند
	ne-kâšte-bâš-am	نکاشته باشم

16-4	nešte-bo-hom	نشسته باشم (چیرفتی)
	nešte-be-hi	نشسته باشی
	nešte-bo-bu	نشسته باشد

nešte-be-hin	نشسته باشیم
nešte-be-hi	نشسته باشید
nešte-be-hen	نشسته باشند
nešte-no-bo-hom	نشسته نباشم
na- nešte-bo-hom	نشسته باشم

xowar(d)-me-ne	خورده باشم ← خورده‌ام (چیرفتی)
xowar(d)-te-ne	خورده باشی ← خورده‌ای

16-5

nešte-bo-b-om/baş-om	نشسته باشم (بندرعباسی)
nešte-bi-b-i/beš-i	نشسته باشی
nešte-bu-bu-(t)/baş-e(t)	نشسته باشد
nešte-bi-b-in/ beš-in	نشسته باشیم
nešte-bi-b-i/ beš-i	نشسته باشید
nešte-be-b-en/baş-en	نشسته باشند
nešte-no-b-om/ne-baş-om	نشسته نباشم
ne-nešte-b-om/baş-om	نشسته باشم

om-goft-en	گفته باشم ← گفته‌ام (بندرعباسی)
et-goft-en	گفته باشی ← گفته‌ای

16-6

pušide-bu-m	پوشیده باشم (حاجی آبادی)
pušide-b-i	پوشیده باشی
pušide-bu-ø	پوشیده باشد
pušide-b-im	پوشیده باشیم
pušide-b-id/in	پوشیده باشید
pušide-b-en	پوشیده باشند
pušide-na-bu-m	پوشیده نباشم
na- pušide-bu-m	پوشیده باشم

۱۷- فعل «بودن» :

17-1

xuv-av	خوبم (سیرجانی)
xuv-niss-av	خوب نیستم
xuv-e	خوب است
xuv-niss-e	خوب نیست
xu-bâš-av	خوب باشم
xuv-na-vâš-av	خوب نباشم
xu-bâš-e	خوب باشد
xuv-na-vâš-e	خوب نباشد
xu-bâš-ø	خوب باش
xuv-na-vâš-ø	خوب نباش

xu-bâš-in	خوب باشید
xuv-na-vâš-in	خوب نباشید
xu-bud-av	خوب بودم
xuv-na-vud-av	خوب نبودم
xu-bud-∅	خوب بود
xuv-na-vud-∅	خوب نبود

17-2

xuv-am	خوبم (باقفی)
xuv-nist-am	خوب نیستم
xuv-e	خوب است
xuv-nist-∅	خوب نیست
xub-bâš-am	خوب باشم
xuv-ne-vâš-am	خوب نباشم
xub- bâš-e	خوب باشد
xuv-ne-vâš-e	خوب نباشد
xub-bâš-∅	خوب باش
xuv-ne-vâš-∅	خوب نباش
xub-bâš-in	خوب باشید
xuv-ne-vâš-in	خوب نباشید
xub-bid-am	خوب بودم
xuv-ne-vid-am	خوب نبودم
xub-bid-∅	خوب بود
xuv-ne-vid-∅	خوب نبود

17-3

xub-am	خوبم (زرقدی)
xub-nist-am	خوب نیستم
xub-e	خوب است
xub-nis-∅	خوب نیست
xub-bâš-am	خوب باشم
xub-ne- bâš-am	خوب نباشم
xub- bâš-e	خوب باشد
xub-ne- bâš-e	خوب نباشد
xub- bâš-∅	خوب باش
xub-ne- bâš-∅	خوب نباش
xub- bâš- in	خوب باشید
xub-ne- bâš- in	خوب نباشید
xub-bid-am	خوب بودم
xub-ne-bid-am	خوب نبودم

xub-bid- ø	خوب بود
xub-ne-bid- ø	خوب نبود

17-4

xob-om	خوبم (جیرفتی)
xob-no-hom	خوب نیستم
xob-e	خوب است
xob-ne-he	خوب نیست
xob-bo-hom	خوب باشم
xob-no-bo-hom	خوب نباشم
xob-bo-bu	خوب باشد
xob-no-bo-bu	خوب نباشد
xob-be- ø	خوب باش
xob-ne-be- ø	خوب نباش
xob-be-hi	خوب باشید
xob-ne-be-hi	خوب نباشید
xob-ar-om	خوب بودم
xob-na-har-om	خوب نبودم
xob-ar- ø	خوب بود
xob-na-har- ø	خوب نبود

17-5

šād- om	شادم (بندر عباسی)
šād-ne-ha-m	شاد نیستم
šād- en	شاد است
šād-ni-n-en	شاد نیست
šād-bo-b-om/baš-om	شاد باشم
šād-no-b-om/ne- baš-om	شاد نباشم
šād-bu-bu-(t)/ baš-e(t)	شاد باشد
šād-ne-bu-(t)/ne- baš-e(t)	شاد نباشد
šād-ba(š)- ø	شاد باش
šād-ne-ba(š)- ø	شاد نباش
šād-bi-b-i/ beš-i	شاد باشید
šād-ne-b-i/ne-beš-i	شاد نباشید
šād-ar-om	شاد بودم
šād-ne-har-om	شاد نبودم
šād-a- ø	شاد بود
šād-ne-ha- ø	شاد نبود

17-6

xob-om	خوبم (حاجی آبادی)
xob-nist-om	خوب نیستم
xob-e(n)	خوب است
xob-nist-e(n)	خوب نیست
xob-bu-m	خوب باشم
xob-na-bu-m	خوب نباشم
xob-bu-∅	خوب باشد
xob-na-bu-∅	خوب نباشد
xob-ba-∅	خوب باش
xob-na-ba-∅	خوب نباش
xob-b-id/in	خوب باشید
xob-na-b-id/in	خوب نباشید
xob-bud-om	خوب بودم
xob-ne-bud-om	خوب نبودم
xob-bud-∅	خوب بود
xob-ne-bud-∅	خوب نبود

۱۸- فعل «شدن»:

18-1

xu-mi-š-av	خوب می‌شوم (میرجانی)
xuv-ne-vi-š-av	خوب نمی‌شوم
xu-mi-š-e	خوب می‌شود
xuv-ne-vi-š-e	خوب نمی‌شود
xu-be-š-av	خوب بشوم
xuv-na-š-av	خوب نشوم
xu-be-š-e	خوب بشود
xuv-na-š-e	خوب نشود
xu-be-šow-∅	خوب بشو
xuv-na-šow-∅	خوب نشو
xu-be-š-in	خوب بشوید
xuv-na-š-in	خوب نشوید
xuv-šod-av	خوب شدم
xuv-na-šod-av	خوب نشدم
xuv-šod-∅	خوب شد
xuv-na-šod-∅	خوب نشد

18-2

xu-mi-š-am	خوب می‌شوم (باقفی)
xuv-ne-mi-š-am	خوب نمی‌شوم
xu-mi-š-e	خوب می‌شود

xuv-ne-mi-š-e	خوب نمی‌شود
xub-be-š-am	خوب بشوم
xuv-ne-š-am	خوب نشوم
xub-be-š-e	خوب بشود
xuv-ne-š-e	خوب نشود
xub-be-šew-∅	خوب بشو
xuv-ne-šew-∅	خوب نشو
xub-be-š-in	خوب بشوید
xuv-ne-š-in	خوب نشوید
xuv-šod-am	خوب شدم
xuv-ne-šod-am	خوب نشدم
xuv-šod-∅	خوب شد
xuv-ne-šod-∅	خوب نشد

18-3

xub-mi-š-am	خوب می‌شوم (زرنده‌ی)
xub-ne-mi-š-am	خوب نمی‌شوم
xub-mi-š-e	خوب می‌شود
xub-ne-mi-š-e	خوب نمی‌شود
xub-be-š-am	خوب بشوم
xub-ne-š-am	خوب نشوم
xub-be-š-e	خوب بشود
xub-ne-š-e	خوب نشود
xub-be-šew-∅	خوب بشو
xub-ne-šew-∅	خوب نشو
xub-be-š-in	خوب بشوید
xub-ne-š-in	خوب نشوید
xub-šod-am	خوب شدم
xub-ne-šod-am	خوب نشدم
xub-šod-∅	خوب شد
xub-ne-šod-∅	خوب نشد

18-4

xob-a-bo-hom	خوب می‌شوم (جیرفتی)
xob-n-â-bo-hom	خوب نمی‌شوم
xob-a-bu-∅	خوب می‌شود
xob-n-â-bu-∅	خوب نمی‌شود
xob-bo-hom	خوب بشوم
xob-no-bo-hom	خوب نشوم
xob-bo-bu	خوب بشود
xob-no-bo-bu	خوب نشود

xob-be-∅	خوب بشو
xob-ne-be-∅	خوب نشو
xob-be-hi	خوب بشوید
xob-ne-be-hi	خوب نشوید
xob-bud-om	خوب شدم
xob-ne-bud-om	خوب نشدم
xob-bu(d)-∅	خوب شد
xob-ne-bu(d)-∅	خوب نشد

18-5

šād-a-b-om	شاد می‌شوم (بندر عباسی)
šād-n-ā-b-om	شاد نمی‌شوم
šād-e-bu-(t)	شاد می‌شود
šād-n-ō-bu-(t)	شاد نمی‌شود
šād-bo-b-om/baš-om	شاد بشوم
šād-no-b-om/ne-baš-om	شاد نشوم
šād-bu-bu-(t)/baš-e(t)	شاد بشود
šād-ne-bu-(t)/ne-baš-e(t)	شاد نشود
šād-ba(š)-∅	شاد بشو
šād-ne-ba(š)-∅	شاد نشو
šād-bi-b-i/beš-i	شاد بشوید
šād-ne-b-i/ne-beš-i	شاد نشوید
šād-bud-om	شاد شدم
šād-ne-bud-om	شاد نشدم
šād-bu(d)-∅	شاد شد
šād-ne-bu(d)-∅	شاد نشد

18-6

xob-a-b-om	خوب می‌شوم (حاجی آبادی)
xob-n-i-b-om	خوب نمی‌شوم
xob-a-bu-∅	خوب می‌شود
xob-n-i-bu-∅	خوب نمی‌شود
xob-e-b-om	خوب بشوم
xob-na-b-om	خوب نشوم
xob-e-bu-∅	خوب بشود
xob-na-bu-∅	خوب نشود
xob-ba-∅	خوب بشو
xob-na-ba-∅	خوب نشو
xob-e-b-id/in	خوب بشوید
xob-na-b-id/in	خوب نشوید
xob-gašt-om	خوب شدم

xob-na- gašt-om	خوب نشدم
xob-ga- ø	خوب شد
xob-na-ga- ø	خوب نشد

۱۹- فعل مجهول:

19-1	gofte-šod- ø	گفته شد (سیرجانی)
19-2	xorde-šod- ø	خورده شد (بافتی)
19-3	xorde-šod- ø	خورده شد (زرنندی)
19-4	košte-bu(d)- ø	کشته شد (چیرفتی)
19-5	gofte-bu(d)- ø	گفته شد (بندر عباسی)
19-6	gofte-ga-ø	گفته شد (حاجی آبادی)

۲۰- ضمیر مفعولی پیوسته و آزاد:

20-1	zed-ev-et	زدمت (سیرجانی)
	mi-zen-ev-et	می زدمت
	men-e-be-var-ø	مرا ببر
	un-e-zed-av	او را زدم

20-2	zed-em-et	زدمت (بافتی)
	mi-xor-am-eš	می خورم
	to-re-did- ø	تو را دید
	un-e-zed-am	او را زدم

20-3	endāxt-en-eš	انداختندش (زرنندی)
	mi-riz-am- eš	می ریزم
	men-e-did- ø	مرا دید

20-4	zed-om-et	زدمت (چیرفتی)
	a-xowar-om-et	می خورم
	(b)ey - to-m-ze(d)- ø	تو را زدم (= به تو زدم)
	(b)ey - ?ā-šon-košt	او را کشتند (= به او کشتند)
	(b)ey - ?ā-m-ze(d)- ø	او را زدم (= به او زدم)

20-5	om-zed-iš-a	زده بودم (بندر عباسی)
	om-did-iš-en	دیده‌امش
	m-i-za- ø	زدم (= مرا زد)
	asan-om-?i-za- ø	حسن زدم (= حسن مرا زد)
	a-zan-om-ton	می زمنان
	be-?i-m-a-vâ	او را می خواهم (= به او می خواهم)

20-6	om-zed-et	زدمت (حاجی آبادی)
	om-Pušid-eš-en	پوشیده‌اش
	t-e-zan-om	می زمنم
	bey-mo-?e-ba- ø	مرا ببر (= به من ببر)
	bey-?u-?om-za- ø	او را زدم (= به او زدم)

مقایسه و بیان تفاوتها

در صورتهای منفی فعل در جیرفتی و بندرعباسی -â و در حاجی‌آبادی -i می‌شود. ضمناً، بندرعباسی و حاجی‌آبادی به جای شناسه فعلی از ضمیر شخصی پیوسته استفاده می‌کنند که در آغاز فعل قرار می‌گیرد. اضافه می‌نماید که بندرعباسی این نوع فعل را با ساخت گذشته دور استمراری، یعنی به صورت «می‌رفته بودم» به جای «می‌رفتم»، نیز به کار می‌برد.

- در شماره ۱۰، همان ویژگیهایی که در شماره ۹ ذکر گردید وجود دارد، به اضافه اینکه جیرفتی نیز در «گذشته استمراری متعدی» از ضمیر شخصی پیوسته به جای شناسه فعلی استفاده می‌کند که در پایان فعل قرار می‌گیرد.

- در شماره ۱۱، به نظر می‌رسد که بندرعباسی ساخت جداگانه‌ای برای «گذشته در حال انجام» ندارد و به جای آن، از گذشته استمراری استفاده می‌کند. حاجی‌آبادی این فعل را با ضمیر شخصی پیوسته همراه با کلمه *dekâ* می‌سازد که این کلمه در هر شش شخص عیناً تکرار می‌شود و احتمال دارد مفهوم «در» یا «درحالی بودن» را داشته باشد. بقیه این نوع فعل را مانند فارسی معیار به کمک گذشته فعل «داشتن» می‌سازند.

- در شماره ۱۲، هر شش گونه زبانی، «گذشته نقلی لازم» را با اسم مفعول یا اسم مفعول مرخم و شناسه فعلی می‌سازند. تکیه در صورتهای مثبت این نوع فعل همه جا بر هجای پایانی است. همخوان [h] در آغاز شناسه در جیرفتی به نظر می‌رسد که باقی‌مانده *ha-* (بودن) از زبانهای ایرانی باستان باشد. ضمناً باید به نشانه اسم مفعول *-est* در حاجی‌آبادی توجه کرد.

- در شماره ۱۳، جیرفتی، بندرعباسی و حاجی‌آبادی «گذشته نقلی متعدی» را با ستاک گذشته به اضافه فعل کمکی *-e(n)* به معنی «است» و ضمیر شخصی پیوسته می‌سازند. این ضمیر در جیرفتی پس از ستاک فعلی و در بندرعباسی و حاجی‌آبادی

- در شماره ۱، نشانه «صدر» در جیرفتی و بندرعباسی *-en* و در بقیه *-an* است.

- در شماره ۲، نشانه «فعل سببی» در جیرفتی، بندرعباسی و حاجی‌آبادی *-on* و در بقیه *-un* است.

- در شماره ۳، علاوه بر تفاوت‌های آوایی شناسه‌های فعلی، نشانه استمرار در «حال استمراری» در جیرفتی، بندرعباسی و حاجی‌آبادی *-a* و در بقیه *mi-* است. ضمناً در صورتهای منفی فعل، نشانه استمرار در جیرفتی و بندرعباسی *-â* و در حاجی‌آبادی *-i* است.

- در شماره ۴، نشانه التزامی در «حال التزامی» در حاجی‌آبادی *-e* و در بقیه *bo-* یا *be-* است.

- در شماره ۵، نشانه امری در فعل «امر» در حاجی‌آبادی *-e* و در بقیه *bo-* یا *be-* است.

- در شماره ۶، بندرعباسی «حال در حال انجام» را از ترکیب *ne* به معنی «در» به اضافه اسم مفعول فعل و شناسه فعلی می‌سازد که این *ne* با اسم و شناسه فعلی نیز به کار می‌رود، مانند *ne-negâh-en* (دارد نگاه می‌کند). حاجی‌آبادی برای ساخت این فعل از کلمه‌ای به صورت *dâre* استفاده می‌کند که در هر شش شخص عیناً تکرار می‌شود و احتمال دارد این کلمه نیز به معنی «در» یا «درحالی بودن» باشد. بقیه این نوع فعل را با حال فعل «داشتن» می‌سازند.

- در شماره ۷، تنها تفاوت‌های آوایی در شناسه فعلی یا ستاک فعلی در «گذشته ساده لازم» دیده می‌شود.

- در شماره ۸، برای ساخت «گذشته ساده متعدی» جیرفتی، بندرعباسی و حاجی‌آبادی به جای شناسه فعلی از ضمیر شخصی پیوسته استفاده می‌کنند که در جیرفتی این ضمیر در پایان فعل و در بندرعباسی و حاجی‌آبادی در آغاز فعل قرار می‌گیرد. سیرجانی، بافتی و زرندی این فعل را به صورت شماره ۷ می‌سازند.

- در شماره ۹، نشانه استمرار در «گذشته استمراری لازم» در جیرفتی *-a*، در بندرعباسی *-â* و در حاجی‌آبادی *-e* و در بقیه *mi-* است. این نشانه

جیرفتی به صورت *ne-he* در بندرعباسی *ni-n-en* در حاجی‌آبادی *mist-e(n)* در سیرجانی *miss-e* بافتی *nist-ø* و در زرندی به صورت *nis-ø* به کار می‌رود.

- در شماره ۱۸، علاوه بر تفاوت‌های آوایی، فعل «شدن» را جیرفتی و بندرعباسی با فعل «بودن» و حاجی‌آبادی با «بودن» یا «گشتن» می‌سازد. ولی سیرجانی، بافتی و زرندی همان «شدن» را به کار می‌برند.

- در شماره ۱۹، فعل «مجهول» در هر شش گونه زبانی از اسم مفعول فعل اصلی ساخته می‌شود ولی فعل کمکی آن در حاجی‌آبادی «گشتن»، در جیرفتی و بندرعباسی «بودن» و در بقیه «شدن» است.

- در شماره ۲۰، جیرفتی «ضمیر پیوسته مفعولی» را در زمان حال پس از شناسه فعلی و در زمان گذشته پس از ضمیر پیوسته فاعلی قرار می‌دهد (نک: «می‌خورم» و «زدمت» در ۴-۲۰). بندرعباسی ضمیر پیوسته مفعولی را در زمان حال پس از شناسه فعلی و در زمان گذشته پس از ستاک فعلی یا قبل از ضمیر پیوسته فاعلی، یعنی در آغاز فعل می‌گذارد (نک: «می‌زنمتان»، «دیده‌آتش»، «زده‌بودمش»، «زدم» و «حسن زدم» در ۵-۲۰). حاجی‌آبادی این ضمیر را در زمان حال معمولاً در آغاز فعل و در زمان گذشته پس از ستاک فعلی قرار می‌دهد (نک: «می‌زنمت»، «زدمت» و «پوشیده‌آتش» در ۶-۲۰). سیرجانی، بافتی و زرندی مانند فارسی معیار ضمیر پیوسته مفعولی را در زمان حال و گذشته پس از شناسه فعلی قرار می‌دهند. (نک: «می‌زنمت»، «زدمت»، «می‌خورمش»، «اندختندش» و «می‌ریزمش» در ۱-۲۰، ۲-۲۰ و ۳-۲۰). «ضمیر مفعولی آزاد» در جیرفتی، بندرعباسی و حاجی‌آبادی به کمک حرف اضافه «به» ساخته می‌شود که قبل از ضمیر قرار می‌گیرد (نک: ۶-۲۰). این ضمیر در سیرجانی، بافتی و زرندی به کمک «را» به صورت *(r)e* ساخته می‌شود (نک: «مرا ببر»، «تو را دید»، «مرا دید» و غیره در ۱-۲۰، ۲-۲۰ و ۳-۲۰).

قبل از ستاک فعلی قرار می‌گیرند. سیرجانی، بافتی و زرندی این نوع فعل را مانند شماره ۱۲ می‌سازند. - در شماره ۱۴، جیرفتی و بندرعباسی «گذشته دور لازم» را با ستاک گذشته و فعل کمکی *a(r)* به معنی «بود»، و شناسه فعلی می‌سازند. بقیه این نوع فعل را با اسم مفعول فعل اصلی همراه با فعل کمکی به صورت *vid-*، *bud-* یا *bid-* به معنی «بود» و شناسه فعلی بیان می‌کنند.

- در شماره ۱۵، جیرفتی، بندرعباسی و حاجی‌آبادی «گذشته دور متعدی» را با ستاک گذشته همراه با فعل کمکی *a(r)* یا *bu* (بود) و ضمائر شخصی پیوسته می‌سازند که این ضمائر در جیرفتی پس از ستاک فعلی و در بندرعباسی و حاجی‌آبادی قبل از ستاک فعلی قرار می‌گیرند. سیرجانی، بافتی و زرندی این نوع فعل را مانند شماره ۱۴ می‌سازند.

- در شماره ۱۶، حاجی‌آبادی، سیرجانی، بافتی و زرندی «گذشته التزامی لازم و متعدی» را با اسم مفعول فعل اصلی همراه با حال فعل «بودن» می‌سازند ولی جیرفتی و بندرعباسی تنها گذشته التزامی لازم را به صورت فوق بیان می‌کنند و گذشته التزامی متعدی را شبیه گذشته نقلی متعدی به کار می‌برند.

- در شماره ۱۷، ستاک حال فعل «بودن» در جیرفتی به صورت *bu-* و ستاک گذشته به صورت *(h)ar-*، در بندرعباسی حال به صورت *bu-* یا *baš* و گذشته به شکل *(h)ar-* و در حاجی‌آبادی حال به صورت *bu-* و گذشته به صورت *bud-* است که واکه‌های آنها تابع محیط آوایی است. ستاک حال «بودن» در سیرجانی، بافتی و زرندی به صورت *bâš-* یا *vâš-* و ستاک گذشته به صورت *bid-*، *bud-* یا *vid-* است که همخوان آغازی آن تابع شرایط آوایی است. ضمناً، کلمه «است» در جیرفتی، سیرجانی، بافتی و زرندی به صورت *-e*، در بندرعباسی و حاجی‌آبادی به صورت *e(n)* و کلمه «نیست» در

نتیجه‌گیری

از مقایسه آنچه گذشت چنین برمی‌آید که سیرجانی، بافتی و زرنندی که با فارسی تهرانی یا فارسی معیار تنها تفاوت‌های آوایی دارند، لهجه‌هایی از فارسی به حساب می‌آیند که می‌توان آنها را فارسی سیرجانی، فارسی بافتی و فارسی زرنندی نامید، ولی جیرفتی، بندرعباسی و حاجی‌آبادی را که علاوه بر تفاوت‌های آوایی نسبت به فارسی معیار تفاوت‌های ساختاری نیز دارند گویش می‌نامیم.

از طرف دیگر چون تفاوت‌های ساختاری بندرعباسی و حاجی‌آبادی نسبت به یکدیگر خیلی کمتر از جیرفتی است شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که جیرفتی گویش جداگانه‌ای است ولی بندرعباسی و حاجی‌آبادی لهجه‌هایی از یک گویش واحدند.

منابع

- بابک، علی (۱۳۷۵)، بررسی زبانشناختی گویش زرنند، انتشارات مرکز کرمان‌شناسی؛
- جلالی، واله (۸۰-۱۳۷۹)، مقایسه دو لهجه بافتی و زرنندی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه زبانشناسی همگانی، تهران

(چاپ نشده)؛

سلطانی‌نژاد، فرشته (۱۳۷۹)، مقایسه گونه‌های زبانی بافتی و جیرفتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گروه زبانشناسی همگانی، تهران (چاپ نشده)؛

شهیدی، اشرف‌السادات (۸۰-۱۳۷۹)، بررسی دو گونه زبانی حاجی‌آبادی و سیرجانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه زبانشناسی همگانی، تهران (چاپ نشده)؛

فتحی، آذر (۱۳۷۱)، ساخت فعل در گویش بندرعباس (لهجه محله پشت شهر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، گروه زبانشناسی همگانی (چاپ نشده)؛

کلباسی، ایران (۱۳۶۷)، «ارگیتو در زبانها و گویشهای ایرانی»، مجله زبانشناسی، س ۵، ش ۲، ص ۷۰-۸۷؛

_____ (۱۳۸۱)، نقش و جای‌شناسه فعلی و ضمیر پیوسته در گویشهای ایرانی، مجله زبانشناسی، س ۱۷، ش ۱، ص ۷۷-۱۰۲؛

_____ (۱۳۸۲)، «نشانه استمرار در لهجه‌ها و گویشهای ایرانی»، مجله گویش‌شناسی، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۱، ش ۱، ص ۷۶-۹۷.

_____ (۱۳۸۳)، «گذشته نقلی در لهجه‌ها و گویشهای ایرانی»، مجله گویش‌شناسی، ج ۱، ش ۲، ص ۶۶-۸۹. ■